

تاریخچه هماتولوژی در ایران و یادی از قدیمی ترین هماتولوژیست ها - بخش سوم

این بخش از ماهنامه با عنوان "تاریخچه هماتولوژی در ایران" به همت دکتر نصراله سیار به رشته تحریر درآمده است. این مطلب خواندنی شامل چند بخش است که در شماره های پیشین به بخش هایی از آن پرداختیم. در ادامه بخش دیگر آن را می خوانیم.

تمام امور آزمایشگاهی در داخل دانشکده پزشکی مستقر بود و بیمارستان ها آزمایشات بیماران را به آن جا ارسال می کردند.

دکتر احمد آذیر

از سابقه تحصیلات ایشان اطلاعی ندارم؛ آنقدر می دانم که در سال ۱۳۲۸ رئیس آزمایشگاه بیمارستان سینا بود و در سال ۱۳۲۹ به بیمارستان هزار تخت خوابی منتقل و رئیس آزمایشگاه شد. پس از چند سال به انگلستان رفت و مدت یکسال هماتولوژی آموخت.

دکتر آذیر، بنده را در سال ۱۳۳۴ به عنوان آسیستان استخدام کرد. ایشان چندین سال بعد به درجه استادی آزمایشگاه ارتقا یافت. در سال ۱۳۵۲ به ریاست بیمارستان امیراعلم منصوب شد و پس از چندی بازنشسته شد. دکتر آذیر خیلی فعال و متواضع بود. صبح های زود قبل از آمدن به بیمارستان با دوستانش والیبال بازی می کرد و زودتر از همه در آزمایشگاه حاضر می شد. تا چند سال پس از انقلاب، زندگی کرد و در آزمایشگاه خصوصی کار می کرد. یک روز در موقع کار با میکروسکوپ در آزمایشگاه به زمین افتاد و وفات یافت.



هماتولوژی رشته ای از علوم پزشکی است که خون و بافت های خونساز را بررسی می کند. توضیح بیشتر آنکه هماتولوژی یکی از رشته های فوق تخصصی بیماری های داخلی است و دارای دو بخش عمده است: هماتولوژی بالینی و هماتولوژی آزمایشگاهی. در بخش آزمایشگاهی، شناسایی سلول های طبیعی و غیر طبیعی خون و مغز استخوان اهمیت خاصی دارد. اغلب موارد تشخیص قطعی و در بعضی موارد تشخیص احتمالی بیماری های خون به وسیله بررسی های سیتومورفولوژی انجام می شود. سابقه آشنایی با مرفولوژی هماتولوژی در ایران به کمتر از ۸۰ سال قبل می رسد.

دکتر یحیی پویا

اولین پیشکسوت آزمایشگاهی در ایران هست. ایشان در سال ۱۲۹۷ شمسی در انستیتو پاستور تهران تحت نظر پزشک فرانسوی علوم آزمایشگاهی را آموخت. در سال ۱۳۲۰ از بهداری شهرداری به دانشگاه تهران منتقل شد و به ریاست آزمایشگاه بیمارستان رازی منصوب شد. در آن زمان



دکتر منوچهر معتمد

از سابقه تحصیلات ایشان اطلاعی ندارم آنقدر می دانم که در سال ۱۳۲۸ رئیس آزمایشگاه بیمارستان هزار تخت خوابی بود و در سال ۱۳۲۹ به ریاست آزمایشگاه بیمارستان سینا منصوب شد. این آزمایشگاه از ۲ تا ۳ اتاق کوچک تشکیل شده بود. دکتر معتمد مردی خیلی تشکیلاتی بود و در رک گویی شهرت داشت. در بیمارستان سینا یک آزمایشگاه بزرگ ساخت و آن را مجهز کرد. این طور که شنیدم از خیرین برای ساخت آن کمک گرفت. دکتر معتمد به درجه استادی رسید و چند سال مدیر



گروه آزمایشگاه بالینی بود. در سال ۱۳۵۰ بازنشسته شد. تاریخ وفات ایشان را نمیدانم. با اینکه با ایشان کار نمی کردم ولی نسبت به بنده خیلی لطف داشت.

دکتر ابراهیم برال

از سوابق تحصیلی ایشان اطلاعی ندارم، آنقدر می دانم که چندین سال قبل از بنده، دانشکده پزشکی را گذرانید و پس از مدتی در آزمایشگاه بیمارستان سینا به عنوان آسیستان استخدام شد و بعدها به درجه استادی رسید. دکتر برال انجام آزمایشات هورمون شناسی (آن زمان) را



در فرانسه آموخت و اولین آزمایشگاهی بود که آزمایشات هورمون شناسی را انجام می داد. ایشان در سال ۱۳۵۰ پس از بازنشستگی دکتر معتمد، رئیس آزمایشگاه بیمارستان سینا شد و تا زمان بازنشستگی این سمت را داشت. دکتر برال چند سال قبل وفات یافت. دکتر برال مردی موقر، متین و خوش قلب بود و هر طور که می توانست به ترفیع همکاران کمک می کرد.

دکتر پرویز رصدی

سال ۱۳۰۹ در رشت متولد شد. دوره دبستان و دبیرستان را در رشت گذرانید. سال ۱۳۲۸ تحصیل پزشکی را شروع کرد و سال ۱۳۳۴ دیپلم پزشکی گرفت. سال ۱۳۳۶ توسط دکتر آژیر رییس آزمایشگاه هزار تخت خوابی، به عنوان آسیستان استخدام شد و دو سال بعد متخصص علوم آزمایشگاهی شد. سال ۱۳۴۰ رئیس آزمایشگاه بیمارستان روانی روزه شد و سال ۱۳۴۹ به ریاست آزمایشگاه بیمارستان کودکان بهرامی منصوب شد و سال ۱۳۵۷ بازنشسته شد ولی تا ۶ سال بعد هم به طور قراردادی در آنجا کار می کرد. باید ذکر کنم که دکتر رصدی درجه استادی آزمایشگاه را داشت. دکتر رصدی پزشکی دقیق و کنجکاو است. ایشان سه بار به فرانسه مسافرت کرد. بار اول ایمونوهماٹولوژی آموخت. بار دوم انتقال خون و بار سوم هماتولوژی و در مرفولوژی هماتولوژی متبحر شد. در دورانی که در بیمارستان بهرامی بود خدمات ارزنده ای در مورد تشخیص بیماری های خون کودکان انجام داد. دکتر رصدی عضو انجمن خون شناسان فرانسه و مجمع بین المللی ترانسفوزیون شد.

دکتر رصدی از دوستان قدیم بنده است لذا شرح حالشان را به طور تلفنی گرفتم و خلاصه آن را نوشتم.

دکتر ناصر مهدوی

از سوابق تحصیلی ایشان اطلاعی ندارم. آنقدر می دانم که رشته پزشکی را در آلمان گذرانید. سال ۱۳۴۰ توسط آقای دکتر آژیر به عنوان آسیستان در آزمایشگاه بیمارستان هزار تخت خوابی



استخدام شد و تا هنگام بازنشستگی در همان آزمایشگاه خدمت می کرد. دکتر مهدوی بعدها به درجه استادی رسید. سال ۱۳۵۰ مدیر گروه آزمایشگاه بالینی شد و از سال ۱۳۵۲ تا زمان بازنشستگی رئیس آزمایشگاه بیمارستان بود.

دکتر محمد مهدی افلاطونی

در سال ۱۳۲۴ تحصیلات پزشکی را در دانشگاه تهران شروع کرد. ۱۳۳۰ فارغ التحصیل شد. ایشان همکلاسی و دوست بنده بودند ولی متأسفانه از سوابق وی اطلاع چندانی ندارم. پس از پایان دوره پزشکی حدود ۱۰ سال در سازمان غیر دولتی شروع به کار کرد سپس به عنوان آسیستان در رشته آزمایشگاه بالینی مشغول به کار شد. بعد از ۲ سال متخصص علوم آزمایشگاهی شد. سال های متمادی مسئول آزمایشگاه بیمارستان امیراعلم بود. بعد رئیس آزمایشگاه زنان سپس به بیمارستان هزار تخت خوابی منتقل و رئیس آزمایشگاه آنجا شد. چندین سال در بخش خصوصی مسئول آزمایشگاه بود و چند سالی است که وفات کرده است.

دکتر ملیحه ود کتر وحیده طیبی

دو خواهر پس از گذراندن دوره پزشکی از دانشگاه تهران توسط دکتر آژیر در سال ۱۳۳۵ در آزمایشگاه هزار تخت خوابی به

عنوان آسیستان استخدام شدند. پس از دو سال متخصص آزمایشگاه بالینی شدند و در همان بیمارستان به عنوان رئیس درمانگاه (استادیار) استخدام شدند. بعدها به درجه دانشیاری نائل آمدند. پس از چندین سال دکتر ملیحه طیبی به بیمارستان دیگر منتقل و رئیس بخش آزمایشگاه آنجا شد. نامبرده مبتلا به سرطان رحم شد و پس از بازنشستگی با متاستاز مغزی دار فانی را وداع گفت.

دکتر وحیده طیبی تا پایان دوره خدمت در آزمایشگاه بیمارستان هزار تخت خوابی مشغول به کار بود. نامبرده مبتلا به سرطان سینه و بعد با متاستاز ریوی وفات یافت.

کنگره سالیانه متخصصین آزمایشگاه بالینی

این کنگره با عنوان «کنگره فناوری نوین آزمایشگاه» روز ۹۵/۸/۷ در سالن همایش های رازی تشکیل شد و تا سه روز ادامه داشت. روز جمعه ۹۵/۸/۷ که روز آخر بود از بنده هم دعوت کردند که در جلسه شرکت کنم. این دعوت از طرف هیئت مدیره انجمن متخصصین آزمایشگاه بالینی که از دوستان عزیز بنده هستند به عمل آمد و با استقبال به آنجا رفتم. این دوستان از بنده به عنوان پیشکسوت رشته آزمایشگاه بالینی تجلیل کردند و هدیه جالبی هم به بنده حقیر اهدا کردند.

آقای دکتر سید حسین فاطمی رئیس محترم هیئت مدیره انجمن در ضمن گزارش آخر کنگره نسبت به بنده اظهار لطف کردند و مطالب مبالغه آمیزی فرمودند که شایسته آن نبودم و نیستم. لذا بر خود لازم میدانم که از اعضاء هیئت مدیره انجمن به خصوص آقای دکتر فاطمی رئیس هیئت مدیره تشکر فراوان و سپاسگزاری نمایم.

رشته های فوق تخصصی داخلی

قبل از سال ۱۳۶۲ در ایران رشته های فوق تخصصی وجود نداشت و پزشکیانی در دانشگاه ها بودند که صلاحیت عنوان فوق تخصصی را داشتند ولی از این عنوان محروم بودند. لذا در سال ۱۳۶۲ شورای آموزش پزشکی و تخصصی وجود عنوان رشته های فوق تخصصی را تصویب کرد.

در تاریخ ۲۲ آبان ماه ۱۳۶۲ آقای دکتر فرهادی رئیس شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت علوم دعوتی از چند نفر به عمل آورد تا در این مورد فوق تخصص های داخلی تصمیم بگیرند.

افراد گروه عبارت بودند از: دکتر فریدون عزیزی استاد دانشگاه شهید بهشتی، شادروان دکتر احمد سیادتی و دکتر سید نصرالله سیار از دانشگاه تهران.

مقرراتی در ۵ ماده و یک تبصره به تصویب رسید که حاصل آن به شرح زیر است: به افرادی که صلاحیت عنوان رشته های فوق تخصصی را دارند ولی از آن محرومند تاییدیه فوق تخصصی داده شود. این آئین نامه بدون تغییر در بیست و دومین شورای آموزش پزشکی و تخصصی به تصویب رسید و قرار شد کلیه بندهای آن تا برگزاری اولین دوره امتحان فوق تخصصی مربوطه قابل اجرا باشد. (این زمان بعداً تمدید شد)

بر مبنای این آئین نامه در تاریخ ۱۳۶۵/۱/۲۸ بنا به درخواست آقای دکتر جلیل واعظ قرا ملکی استاد دانشگاه تبریز تاییدیه فوق تخصصی هماتولوژی برای ایشان صادر شد.

در تاریخ ۶۵/۵/۰۲ آقای دکتر منصور حق شناس استاد دانشگاه شیراز درخواست کرد و تاییدیه فوق تخصصی هماتولوژی برای ایشان صادر شد.

از رشته های دیگر فوق تخصصی

داخلی هم درخواست می شد که به مدارک آنان رسیدگی می کردند و تاییدیه فوق تخصصی صادر می کردند.

رشته فوق تخصصی هماتولوژی - انکولوژی

در سال ۱۳۶۲ پس از تصویب آئین نامه رشته های فوق تخصصی با تلاش بنده و همکاری آقای دکتر اردشیر قوام زاده (فوق تخصص هماتولوژی - انکولوژی) و آقای دکتر داود منادی زاده (فوق تخصص هماتولوژی از دانشگاه شهید بهشتی) این رشته راه اندازی شد.

در همان سال ۳ نفر برای گذراندن این دوره انتخاب شدند. تعداد داوطلبان در سال های بعد به تدریج افزایش یافت به طوری که تصور می کنم اکنون بیش از ۲۰۰ نفر دوره هماتولوژی - انکولوژی را به پایان رسانیده اند و در دانشگاه های شهرستان های کشور یا به طور آزاد مشغول خدمت به مردم هستند.

به خاطر دارم تا قبل از ۳۵ سال پیش، بیماران از دورترین شهر کشور برای تشخیص و درمان بیماری های خون و سرطان به تهران می آمدند ولی اکنون در شهر محل سکونت خود یا شهر نزدیک به آن کارهای تشخیصی و درمانی شان انجام می شود.

آموزش فلوهای هماتولوژی - انکولوژی

دوره این رشته سه سال است. ابتدا دانشگاه های علوم پزشکی تهران و شهید بهشتی این کار را انجام می دادند ولی بعدا دانشگاه های شیراز و تبریز هم به انجام آن اقدام کردند.

فلوها از شروع به کار برای تشخیص مرفولوژی بیماری های خون، لام های خون و مغز استخوان بیماران را تحت نظر

اساتید مربوطه بررسی می کنند ولی این برنامه منظم و کلاسیک نیست.

برنامه کلاسیک آن است که ابتدا شناسایی کامل سلول های طبیعی خون و مراحل مختلف دودمان های خونساز در مغز استخوان آموزش داده شود. پس از آن مرفولوژی گلبول قرمز و انواع اشکال غیر طبیعی آن و کاربرد آنها در تشخیص بیماری های خون آموزش داده شود سپس بررسی و تشخیص انواع کم خونی ها و در دنبال آن انواع لوکمیا و بیماری های دیگر خون و مغز استخوان آموزش داده شود. لازم به ذکر است که آموختن مرفولوژی هماتولوژی به زمان زیادی نیاز دارد و نمی توان آن را در چند ماه کار پیایی یاد گرفت و باید تدریجی باشد. قابل ذکر آنکه گلبول های سفید خون دارای اشکال مختلفی است که مثلا میلیولاست اولین سلول دودمان گرانولوسیتی در حال طبیعی و انواع لوکمیا ۱۰ - ۱۱ شکل مختلف دارد. سلول های رسیده و نارس دودمان های خونساز هم در حالت طبیعی و بیماری ها اشکال مختلفی دارد لذا تسلط کامل به مرفولوژی هماتولوژی زمان می برد.

فلوهای که از سال ۱۳۶۲ به بخش خون بیمارستان امام خمینی می آمدند توسط دکتر زمانیانپور، شادروان دکتر اخوان و بنده آموزش بالینی و به خصوص مرفولوژی هماتولوژی داده می شدند.

دکتر زمانیانپور در سال ۱۳۷۰ خودش را بازنشسته کرد. دکتر اخوان شهریور ۱۳۷۱ به رحمت ایزدی پیوست و بنده ماندم و آموزش کلاسیک مرفولوژی هماتولوژی به فلوها. همان طور که قبلا ذکر کردم فلوها هر جا که کار می کردند، تحت نظر اساتید، لام های خون و مغز استخوان بیماران را می دیدند و به آنان آموزش داده می شد ولی این آموزش کلاسیک نیست و موردی است.

بنده از سال ۱۳۸۰ به بخش تحقیقات هماتولوژی و پیوند استم سل بیمارستان دکتر شریعتی رفتم. در آنجا اوضاع و احوال خیلی خوب بود. یک میکروسکوپ ۱۰ شاخه در اطاق آقای دکتر جهانی استاد محترم و معاون رئیس بخش بود. ایشان با کمال محبت میکروسکوپ، یک میز کار و کامپیوتر خودشان را در اختیارم گذاشتند. بنده هفته ای یک روز اول وقت با فلوهای سال اول و یک روز دیگر اول وقت با فلوهای سال دوم و سوم کار می کردم. پس از سال ۱۳۸۷ استاد جهانی این پزشک متدین، بزرگوار و دانشمند عهده دار این امر شد و همچنان ادامه دارد. همان طور که قبلا نوشتم بنا به درخواست آقای دکتر قوام زاده ریاست محترم بخش و آقای دکتر جهانی، بنده چندین جلسه دو ساعته در بهار و تابستان با فلوهای سال آخر تا قبل از امتحانات بورد یک دوره هماتولوژی مرفولوژی را مرور می کنیم و این کار از سال ۱۳۷۸ تا تابستان گذشته ادامه داشت.

* ادامه این مطلب خواندنی را در شماره آتی مطالعه کنید.